

وجوه اثرپذیری محمدعلی فروغی در مکاتبات از منشآت قائم مقام (از تقلید تا نوآوری)

عفت نقابی*

نیلوفر عبداللهی**

چکیده

محمدعلی فروغی از رجال صاحب‌نام معاصر در حوزه سیاست، فرهنگ و حقوق به‌شمار می‌رود. دو وجه سیاسی و فرهنگی او، انگیزه نگارش مکاتباتی مرتبط با این موضوعها بوده است. به‌سبب آشنایی فروغی با ادبیات کهن و دل‌بستگی به فرهنگ ایران، نامه‌های او علاوه بر آثار کهن ادبی، از ساختار منشآت پیشینیان تأثیر پذیرفته است. با نگاهی به این مکاتبات می‌توان تأثیر منشآت قائم‌مقام فراهانی را به‌وضوح مشاهده کرد. او در عین تقلید از سبک قائم‌مقام، در نامه‌ها، نوآوری‌هایی نیز داشته است. با عنایت به این مسئله، در مقاله حاضر، با در نظر داشتن منشآت قائم‌مقام به‌منزله نمونه‌ای از سبک بازگشت، میزان نوآوری و تأثیرپذیری فروغی از مکاتبات قائم‌مقام بررسی شده است. به‌همین منظور، ۱۱ نامه از نامه‌های فروغی از کتاب *سیاست‌نامه ذکاءالملک* و *۱۱ نامه از منشآت قائم‌مقام*، در سه حوزه دوستانه، سیاسی و اجتماعی، واکاوی شده است. یافته‌ها نشان داد که اگرچه فروغی در ساختار نامه‌ها، شگردهای ادبی و ویژگی‌های زبانی از نامه‌های قائم‌مقام متأثر است، در حوزه محتوا و مفاهیم نوآوری‌هایی داشته است. نوآوری ذکاءالملک در تلفیق سبک بازگشت با مفاهیم اجتماعی-سیاسی مدرن است. فروغی در نگارش نامه‌ها به اوضاع زمانه و فهم مردم توجه ویژه داشته است؛ از این رو، علاوه بر اینکه از سبک بازگشت (و به‌طور خاص منشآت) متأثر بوده، با برخی شگردها و ظرایف بیانی نقاط ضعف آن را برطرف کرده است. فروغی با استفاده از این شیوه نگارش، به دو هدف جلب نظر مخاطبان به ترویج فرهنگ و ادبیات فارسی و رساندن مفاهیم نوگرایانه، در کنار گزارش مسائل روز جامعه دست یافته است. در نامه‌های سیاسی و اجتماعی او شاهد تقلید از متون دشوار ادبی-تاریخی هستیم، اما مکاتبات دوستانه او به‌سبب الگوبرداری از متون غنایی، لطافت و دل‌انگیزی خاصی دارد؛ به‌طوری‌که خواندن این نامه‌ها نسبت به نامه‌های اجتماعی التذاذ ادبی بیشتری به خواننده می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: محمدعلی فروغی، قائم‌مقام فراهانی، منشآت، سبک بازگشت، نامه‌های سیاسی، اخوانیات.

*دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، e.neghabi@khu.ac.ir

**پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، nsabdollahy@ut.ac.ir



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۳

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۲، شماره ۹۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صص ۲۳۷-۲۶۳

Aspects of Muhammad Ali Foroughi's Letters Influenced by Farahani's *Monsha'at*: From imitation to innovation

Effat Neghâbi*

Niloolfar Sâdât Abdollâhi**

Abstract

Mohammad Ali Foroughi (also known as Zoka-ol-Molk) is regarded as one of the well-known contemporary Iranian men in politics, culture, and law. His political and cultural careers motivated him to correspond with many educated friends about these issues. Due to Foroughi's familiarity with ancient literature and his attachment to Iranian culture, his letters have been influenced by the style of his predecessors in addition to the earlier literary works. By perusing these letters, one can visibly see the influence of Ghaem Magham Farahani's *Monsha'at* (Letters). While imitating the style of Farahani, Foroughi had innovations in his letters. The present article aims to reveal the extent of Foroughi's innovation and his being influenced by Ghaem Magham's letters by considering Farahani's letters as an example of the return style. In the current study 11 letters from Foroughi, collected in Zoka-ol-Molk's policy book, and 11 letters from Ghaem Magham's *Monsha'at*, fallen into friendship, politics, and social categories, were analyzed. It was found that although Foroughi was influenced by the letter styles, literary techniques, and linguistic features of Farahani's letters, he made innovations in their contents and concepts. Zoka-ol-Molk's innovations can be seen in combining the return style with modern socio-political concepts. In writing letters, Foroughi paid special attention to the temporal conditions and people's understanding. Therefore, besides being influenced by the return style (especially that of *Monsha'at*), he overcame its weaknesses with some expressive tricks and subtleties. By using this way of writing, Foroughi has achieved the goals of attracting the attention of the audience to promoting Persian culture and literature and conveying modern concepts along with reporting on current social issues. In his political and social letters, we see him imitating demanding literary-historical texts; while his friendly letters are very tender and heartwarming due to imitating lyrical texts. Hence, reading these letters gives the reader more literary pleasure than social letters.

Keywords: Muhammad Ali Foroughi, Qâem Maqâm Farahani, *Monsha'at*, Return Style, Political Letters, Ekhvâniyât.

* Associate Professor of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), e.neghabi@khu.ac.ir

** Postdoctoral Researcher in Persian Language and Literature, Kharazmi University of Tehran, Iran, NSAbdollahy@ut.ac.ir

۱. مقدمه

نامه‌نگاری از اشکال رایج برقراری ارتباط میان دو سوی مذاکره/ مخاطبه به‌شمار می‌رود. در هریک از دو سو، فرد یا افرادی حضور دارند که با هدف اطلاع‌رسانی و سوق‌دادن مخاطب به‌سوی هدف خود، در قالب نوشته با یکدیگر سخن می‌گویند. مفاهیمی که در نامه‌ها به‌صورت‌های مختلف بیان می‌شوند، به سطح دانش و درک نویسنده و مخاطب نامه وابسته است. در لابه‌لای بسیاری از آثار ادبی منظوم و منثور، نامه‌هایی مشاهده می‌شود؛ از این‌رو، ساختار مفهومی و صورتی مکاتبات از دوره‌های آغازین شعر و ادب فارسی مورد توجه بوده است. نامه‌های نقل‌شده در *شاهنامه* و متونی از این دست گواه این مدعا است. در سبک خراسانی و عراقی (خواه نظم یا نثر) جزئیات نامه‌نگاری به‌دقت رعایت می‌شود. این شیوه در دوره بازگشت، مجدداً مورد توجه قرار گرفت و ویژگی‌های زبانی آن، همچون کاربرد واژه‌های کهن، ساخت‌های دستوری قدیمی و نقل شواهدی از ادب فارسی و عربی، بار دیگر به‌متون ادبی بازگشت. در واقع، در دوره بازگشت، شاهد نگاهی دوباره به تاریخ ادب فارسی هستیم. نگارندگان این سبک، در صورت آثارشان از ادبیات کهن بهره گرفته‌اند، ولی به مفاهیم مطرح در زمانه خودشان کم‌توجهی کرده‌اند. به‌همین سبب، ادبیات در عهد بازگشت همچنان در انحصار طبقه باسواد و مرفه جامعه ماند و طبقه متوسط جامعه از آن نصیب چندانی نیافت. نامه‌نگاری نیز مانند سرایش اشعار و نگارش آثار منثور در این عهد به‌صورت تقلیدی صرف از ادب کهن درآمد. این شیوه، اندک‌اندک رو به دشواری گذاشت، به‌طوری‌که درک این متون تنها برای عده‌ای خاص میسر بود. در این‌میان، قائم‌مقام فراهانی شخصیتی نوآور است. او در نگارش منشآت، در کنار حفظ لطافت بیان، نگاهی تازه را به ادبیات وارد کرد. نماینده شایسته این نگاه در دوره‌های بعد محمدعلی فروغی است. قائم‌مقام و فروغی از دیدگاه شخصیت، دانش ادبی و مسئولیت‌های اجتماعی‌ای که برعهده داشتند، با هم مشابهت دارند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان فروغی را همتای قائم‌مقام در سال‌های پایانی سلطنت قاجاریه و تمام دوره پهلوی دانست. این شباهت در نوشته‌های ایشان هم آشکار است. با عنایت به این مسئله، در این مقاله، نامه‌های محمدعلی فروغی و منشآت قائم‌مقام فراهانی واکاوی شده است تا از این طریق وجوه اشتراک نامه‌ها و تأثیرپذیری فروغی از منشآت مطالعه و نوآوری‌های فروغی در نامه‌ها مشخص شود.

۱.۱. پیشینه پژوهش

تحقیقاتی را که در باب منشآت قائم مقام صورت گرفته است می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دسته نخست، به بررسی سبک منشآت از نظر شیوه و متونی که از آنها تقلید شده است پرداخته‌اند. این دسته بیشتر *گلستان سعدی* را در نظر داشته‌اند. از جمله پژوهش‌های ذیل: «مقایسه سبکی منشآت قائم مقام و *گلستان سعدی*» (علامی و کیانیان، ۱۳۸۹)؛ «بررسی استشهداد به‌عنوان یک آرایه تعلیمی در منشآت قائم مقام در مقایسه با *گلستان سعدی*» (بیرنگ و تجلیل، ۱۳۹۶)؛ «مقایسه بیانی *گلستان سعدی* و منشآت قائم مقام فراهانی» (آشوری و همکاران، ۱۴۰۱).

دسته دوم این پژوهش‌ها، به مفردات و عبارات منشآت مربوط است که محققان به بررسی واژه‌ها و عبارات کاربردی در نامه‌های قائم مقام پرداخته و منشأ آنها را بیان کرده‌اند. مقاله «کاربرد زبان عامیانه، یکی از خصائص سبکی منشآت قائم مقام» (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۴) از این نوع است. دسته آخر هم به منشآت نگاهی محتوایی داشته‌اند. دو مقاله «نگرشی بر مؤلفه‌های تربیتی و اخلاقی در بهارستان جامی و منشآت قائم مقام» (حسنی و صحرایی، ۱۳۹۹) و «تحلیل گفتمان منشآت خانوادگی قائم مقام فراهانی بر اساس نظریه کاربردشناسی اصول ادب» (ایشانی و همکاران، ۱۴۰۰) در این گروه قرار می‌گیرند.

مطالعات در باب نامه‌های فروغی، در مرتبه نخست، ناظر بر گردآوری دقیق است. نامه‌ها و خطابه‌های فروغی در کتاب *سیاست‌نامه ذکاءالملک* (فروغی، ۱۴۰۰) گردآوری شده است. برخی تحقیقات هم به محتوای مکاتبات او از منظر تحلیل‌های سیاسی و تاریخی توجه کرده‌اند که به سبب تفاوت رویکردشان با مقاله حاضر از ذکر آنها چشم‌پوشی می‌کنیم. با توجه به پژوهش‌های پیشین، باید گفت تاکنون سبک فروغی در نگارش نامه‌ها و نیز ظرایف بلاغی و متون اثرگذار بر این نگاشته‌ها در تحقیقات علمی مورد توجه قرار نگرفته است. در مقاله حاضر به این موضوع پرداخته شده است.

۲.۱. روش و دامنه پژوهش

موضوع پژوهش، بررسی نامه‌های فروغی و منشآت قائم مقام است. دامنه پژوهش ۱۱ نامه از نامه‌های فروغی، گردآوری شده در کتاب *سیاست‌نامه ذکاءالملک* و ۱۱ نامه از منشآت قائم مقام است که به سبب اهمیت مورد بررسی قرار گرفته است. این نامه‌ها در سه حوزه دوستانه،

سیاسی و اجتماعی نگاشته شده‌اند. نامه‌های فروغی و قائم‌مقام از دیدگاه محتوایی و به ترتیب

شماره صفحه در مراجع مقاله در جدول‌های زیر دسته‌بندی شده‌اند:

جدول ۱. نامه‌های فروغی

Table 1. Foroughi's Letters

شماره	عنوان نامه و شماره صفحه در منبع	موضوع
۱	نامه به ابراهیم حکیم‌الملک/ ص ۶۵	دوستانه/اجتماعی
۲	نامه خصوصی به محمود وصال/ ص ۷۷	دوستانه
۳	نامه ذکاءالملک به تقی‌زاده (۱)/ ص ۹۵	دوستانه/سیاسی/ اجتماعی
۴	نامه ذکاءالملک به تقی‌زاده (۲)/ ص ۹۷	دوستانه/سیاسی/ اجتماعی
۵	نامه ذکاءالملک به تقی‌زاده (۳)/ ص ۱۰۰	دوستانه/سیاسی/ اجتماعی
۶	نامه ذکاءالملک به تقی‌زاده (۴)/ ص ۱۰۴	دوستانه/سیاسی/ اجتماعی
۷	نامه به مستشارالدوله صادق (سفیرکبیر ایران در ترکیه) (۱)/ ص ۱۸۹	اجتماعی/ دوستانه
۸	نامه به مستشارالدوله صادق (سفیرکبیر ایران در ترکیه) (۲)/ ص ۱۹۳	اجتماعی
۹	نامه به مستشارالدوله صادق (سفیرکبیر ایران در ترکیه) (۳)/ ص ۱۹۴	اجتماعی/ دوستانه
۱۰	نامه به مستشارالدوله صادق (سفیرکبیر ایران در ترکیه) (۴)/ ص ۱۹۵	اجتماعی
۱۱	پاسخ به دکتر مصدق (ازجمله اسناد تازه‌یاب)/ ص ۲۸۸	سیاسی

جدول ۲. نامه‌های قائم‌مقام

Table 2. Qa'im Maqam's Letters (monsha'at)

شماره	عنوان نامه و شماره صفحه در منبع	موضوع
۱	کاغذ قائم‌مقام به میرزاصادق وقایع‌نگار در حین مأموریت به جانب بغداد بعد از شکست چوپان‌وغلی و فتح دولت ایران. ص ۵۱	سیاسی
۲	کاغذ مرحوم قائم‌مقام به میرزاصادق مروی وقایع‌نگار از تبریز در زمان حیات نواب نایب‌السلطنه العلیه. ص ۶۰	اجتماعی/ دوستانه
۳	کاغذ قائم‌مقام به عالی‌جاه میرزابزرگ نوری وزیر نواب امام‌بردی میرزا کشیکچی‌باشی در سال مصالحه روسی. ص ۶۸	سیاسی/ اجتماعی/ دوستانه
۴	رقعه قائم‌مقام به میرزابزرگ قبل از مصالحه روس. ص ۷۰	دوستانه/ اجتماعی
۵	کاغذ قائم‌مقام به مخاطب ناشناس. ص ۷۴	دوستانه
۶	کاغذ قائم‌مقام به مخاطب ناشناس. ص ۸۷	دوستانه/ اجتماعی
۷	کاغذ قائم‌مقام به شاهزاده‌خانم همشیره صلیبی و بطنی مرحوم نایب‌السلطنه که کوچ او بود همراه اشعار قائم‌مقام. ص ۱۰۵	سیاسی/ اجتماعی/ دوستانه
۸	مخاطب ناشناس. ص ۸۳	اجتماعی
۹	نامه قائم‌مقام به وقایع‌نگار میرزاصادق مروزی از خراسان نوشته در زمان حیات نواب مستطاب نایب‌السلطنه طاب‌ثراه. ص ۱۱۹	سیاسی/ اجتماعی/ دوستانه
۱۰	رقیمه قائم‌مقام به فاضل‌خان گروسی. ص ۳۲۲	سیاسی/ اجتماعی/ دوستانه
۱۱	سواد رقمی قائم‌مقام به خط خود بعد از فوت ولیعهد رضوان‌مهد از خراسان به الله‌یارخان آصف‌الدوله از جانب شاهزاده‌والاتبار که ولایت‌عهد را تمهید اساسی کرده و ترتیب قیاسی آورده است. ص ۲۷۵	اجتماعی

ترتیب نقل نامه‌های قائم‌مقام و فروغی براساس مشابهت مناصب دولتی و رخداد‌های تاریخی صورت گرفته است. همچنین، کوشش شده است در گزینش نامه‌ها، مشابهت محتوا و مفاهیمی که به آنها پرداخته شده مورد توجه قرار گیرد. روش تحقیق با تکیه بر جزئیات سبک و بلاغت در نامه‌های قائم‌مقام و فروغی و برپایه دست‌بندی محتوایی بوده است.

۲. بحث

۱.۲. نامه‌نگاری، هدف، صورت و مفاهیم

در بحث نگارش نامه‌ها (فارغ از زمانه نگارش) سه موضوع هدف، معنا و صورت مطرح می‌شود. موضوع مهم و مؤثر بر دو نکته دیگر، هدف نگارش نامه است. هدف نگارش، مفهوم و صورت را به شکل کلی دربردارد. نگارنده نامه، پیش از نگارش، مفهوم کلی را در ذهن می‌پروراند، سپس با در نظر گرفتن مخاطب، آن را در صورت مناسبی سامان می‌دهد. به عبارت دیگر، نامه هدفمند، به سوی صورت بهینه و نهایی حرکت می‌کند. هدف نگارش نامه، نخست انتقال مفاهیم به مخاطب است؛ علاوه بر این، می‌توان از مواردی جانبی همچون دوراندیشی نگارنده، مخاطب‌شناسی او و گزینش بهترین شیوه انتقال مطلب سخن گفت. نامه‌ها، علاوه بر اطلاع‌رسانی، می‌تواند کارکردهای بلاغی همچون تشویق، تحذیر و برانگیختن مخاطب داشته باشد. کارکرد نامه‌هایی که در میان دوستان ردوبدل می‌شوند، بیان احساسات دوستانه همچون دلتنگی، یاد خاطرات گذشته و شوق دیدار دوباره است. برخی نگارندگان در نامه‌های سیاسی و اجتماعی برخلاف نامه‌های دوستانه - اغراضی را دنبال می‌کنند که گاه در نگاه اول قابل تشخیص نیستند، ولی با توجه به کلیت نامه نمایان می‌شوند.

در ظهور و شکل‌گیری سبک بازگشت، حفظ صورت آثار کهن و برقراری ارتباط میان اهل فن بیش از مسائل دیگر اهمیت دارد. ادبای عهد بازگشت ادبی، در جست‌وجوی بازیابی روزگار و محتوای متون دوره ادب خراسان و عراق بودند. بازگشت ادبی، در بهترین صورت، نگاهی واپس‌گرایانه به دوره‌های درخشان ادبیات فارسی است. آثار ادبی سبک‌های خراسانی و عراقی، به سبب هم‌خوانی با شرایط تاریخی و اجتماعی، آثاری موفق به شمار می‌رفتند. حال آنکه در دوره بازگشت شرایط تاریخی و اجتماعی نسبت به دوره‌های قبل، دستخوش تغییرات شد و آثار ادبی این سبک، پاسخگوی نیازهای اجتماعی عصر نبود. دستاورد این دوره، آثاری شبیه به متون سبک خراسان و عراق، همچون نمونه‌های تقلیدی (کپی) از نقاشی‌های مشهور است. هرچند

این نمونه‌ها در کمال زیبایی آفریده شده، تقلیدی و عاری از اصالت هستند. اگرچه آثار سبک بازگشت بیشتر با هدف نمایش تسلط و آگاهی‌های ادبی نگارندگان آفریده می‌شدند، منشآت قائم‌مقام فراهانی در میان این آثار، به‌منزله متنی ساده و درعین حال شیوا، شایان توجه است. قائم‌مقام... یک سیاستمدار مطلع به‌شمار می‌رود. او درعین حالی که به سیاست پرداخته در پهنه ادب فارسی صاحب آثار ارزشمندی بوده است. مهم‌ترین اثر او منشآت وی است که حاوی چند رساله و نامه‌های سیاسی و دوستانه است که از جانب پادشاه و ولیعهد به افراد مختلف نوشته است (ذکایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰).

روش ساده قائم‌مقام نگارش را نسبت به عهد افشاریه و زندیه روان‌تر کرد و در دوره‌های بعد ادامه یافت. برخی پژوهشگران معتقدند: «قائم‌مقام با احاطه ادبی و قدرت قلم خود بساط نثر مغلق و پیچیده بعد از مغول را که در دوره افشاریه و زندیه به نهایت ابتدال رسیده بود از بین برد و نثر ساده و روان را جانشین آن کرد، که نثر امروز ما دنباله همان است» (همان). از نمونه‌های قابل توجه که رگه‌هایی از سبک قائم‌مقام را می‌توان در آن دید، نامه‌های فروغی است. این نامه‌ها در موضوع، بیان ساده و نقل شاهد، شباهت زیادی به منشآت دارند. البته، میان این دو متن تفاوت‌هایی هم هست که در ادامه به وجوه همسانی‌ها و دگرسانی‌ها می‌پردازیم.

۲.۲. شباهت‌های سبکی نامه‌های فروغی و قائم‌مقام

از آنجاکه فروغی با تکیه بر ادبیات و سبک نامه‌نگاری کهن مکاتبات خود را تدوین می‌کرد، اثر نامه‌های قائم‌مقام را بر نوشته‌های او می‌توان دید. فروغی در شخصیت، جایگاه و ارتباطات اجتماعی شباهت‌های قابل توجهی به قائم‌مقام داشته است؛ از این‌رو، نامه‌های فروغی با منشآت قائم‌مقام مشابهت‌های سبکی دارد. این مشابهت‌ها در سه حوزه ساختار نامه‌ها، شگردهای ادبی و ویژگی‌های زبانی، قابل تقسیم‌اند.

جدول ۳. شباهت‌های سبکی نامه‌های فروغی و قائم مقام

Table 3. Stylistic Similarities Between Foroughi's and Qa'im Maqam's letters

حوزه اصلی مشابهت سبکی	حوزه فرعی ۱	حوزه فرعی ۲	حوزه فرعی ۳	حوزه فرعی ۴
ساختار نامه‌ها	آغاز سخن با ابراز دوستی و ارادت به مخاطب	ترتیب و بخش‌بندی نامه‌ها	مطرح کردن موضوع در میانه	پایان نامه با عبارت یا مصراع
شگردهای ادبی	کاربرد استشهاد ادبی	نقل ابیات و مصراع‌ها	عبارات منثور عربی یا فارسی	کاربرد ضرب‌المثل‌های ساده و عامیانه
ویژگی‌های زبانی	غلبه کاربرد جملات کوتاه بر بلند	جملات معطوف و مرتبط با یکدیگر	تکرار فعل و واژه‌های مترادف	—

۲.۲.۱. آغاز سخن با ابراز دوستی و ارادت به مخاطب

گیرندگان نامه‌های فروغی و قائم‌مقام، افرادی فرهیخته و در جایگاه دوست یا همکار ایشان بودند. به این دلیل، نویسندگان، نامه‌ها را با عباراتی آغاز می‌کردند که نشان‌دهنده رابطه دوستانه و صمیمی بوده است. در بخش آغازین نامه‌های قائم‌مقام، چندین عبارت با این هدف نگاشته شده، ولی فروغی بر سبیل ایجاز رفته است. فروغی با یک عبارت یا در مواردی که می‌خواهد سخن از نهایت صمیمیت یا شوق به دیدار فرد بزند، با دو یا سه عبارت، مراتب ارادت خود را بیان می‌کند، درحالی‌که این عبارات در نامه‌های قائم‌مقام قدری دشوارتر و طولانی‌تر است.

قربانت شوم روزگار و هرچه در وی است بس ناپایدار است... اما امیدوارم سحر نزدیک باشد (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۷).

گرامی دوست محترماً مدتی است که از فیض عریضه‌نگاری خدمت حضرت مستطاب‌عالی محروم مانده‌ام (همان، ۹۵).

مخدوم مطاع مشفق مهربان من، اَمَنْتُ بَمَنْ نُورِ بَكَ الظُّلْمِ و اَوْضَحِ بَكَ البُهْمِ و جَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ و علامه من علامت سلطانیه (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۵۱).

۲.۲.۲. ترتیب و بخش‌بندی نامه‌ها

ساختار نامه‌ها در هریک از موضوعات اجتماعی، سیاسی یا دوستانه یکسان است. هرچند نگارندگان گاه به تعجیل این نامه‌ها را می‌نوشته و فرصتی برای پاک‌نویس کردن نداشته‌اند، این ساختار را حفظ می‌کردند: مقدمه و پیش‌زمینه‌ای برای ورود به بحث، بیان مطلب اصلی در میانه نامه، و نگارش خاتمه‌ای برای سخن. این ساختار را می‌توان در نامه‌های نقل‌شده در متونی همچون شاهنامه ملاحظه کرد. علاوه‌براین، چنین ساختاری در نگارش کتاب‌های منثور

ادب فارسی حفظ می‌شده است. کتاب‌هایی مانند *مرزبان‌نامه* و *راوینی* و ترجمه نصرالله منشی از *کلیله و دمنه* نمونه‌هایی از این دست هستند.

فروغی در *نامه* خصوصی و *دوستانه* خود به محمود وصال، سه بخش را در نظر می‌گیرد. بخش میانه به سبب مطرح‌شدن موضوعات دوستانه و اجتماعی طولانی می‌شود، ولی این ترتیب بر هم نمی‌ریزد و مقدمه و خاتمه، قبل و بعد از آن ذکر می‌شود.

قربانت شوم روزگار و هرچه در وی هست بس ناپایدار است... اما امیدوارم سحر نزدیک باشد. اتفاقاً تاکنون اغلب اوقاتی که وسیله ارسال مکاتیب به طهران به دست آمده، وقت چنان مضیق بوده که مجال عریضه‌نگاری جداگانه نداشته‌ام (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۷).

این نامه که از تمام اجزای آن می‌توان صمیمیت دوسوی فرستنده و گیرنده را دریافت، پس از ذکر آنچه در این روزگار بر نویسنده می‌گذرد، با چند عبارت زیبا پایان می‌یابد.

به تاریخ شمسی امروز درست یک‌سال است که از طهران حرکت کرده و از حضور عزیزان مهجورم، در صورتی که به فرموده شیخ اجل: یک شب فراق باشد، بر من به طول سالی! (فروغی، ۱۴۰۰: ۸۲).

قائم‌مقام گاه در ابتدای نامه عباراتی را به‌عنوان براعت استهلال و مقدمه بحث به کار می‌برد: عرضه داشت تالان‌زده قدیم، آه ز افشار! آه از این قوم! آه از آن دم! این‌ها همه سهل است. آه از رقم ترجمان و فرمان تالان و محصل قاجار و دادن ناچار! امان از چاقو! امان از مقرض! دو سر خواستند، چار سر دادیم! یکی فرمودند، دوتا فرستادیم (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۶۸).

در ادامه همین نامه، که مخاطب آن میرزا بزرگ نوری است، موضوع نابسامانی روزگار و گله از ابنای دهر را مطرح می‌کند و نامه را چنین به پایان می‌برد:

مثل آذربایجان که یک ولایتی است در زیر لگد دو دولت روس و شیعه. از دو گوش مدعی آنجا بودند، روم هم حالا از گوشه دیگر درآمد و مدعی ایروان است. فَعَزَّزْنَا هُ بَثَالِثِ (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۶۹).

۳.۲.۲. مطرح کردن موضوع در میانه

در نگاهی کلی، می‌توان تشخیص داد که جایگاه طرح موضوع اصلی و مهم، میانه هر نامه است. آنگاه که در نکات فرعی هر نامه دقت کنیم، می‌توانیم چنین ساختاری را برای این نکات هم ببینیم. قائم‌مقام و فروغی برای هر مسئله، مقدمه و خاتمه بیان می‌کنند. این مقدمه می‌تواند خاتمه بخش قبلی باشد و مسائل یکی پس از دیگری مطرح شوند. مسائل عموماً

به ترتیب اهمیت یا تاریخ رخداد بیان می‌شوند و ذیل یک موضوع کلی قرار می‌گیرند. این موضوع می‌تواند گزارش یا فرمان به انجام کارهایی به واسطه افرادی خاص باشد. قائم‌مقام در نامه‌ای که به شاهزاده‌خانم، همشیره صلبی و بطنی نایب‌السلطنه، نوشته است سخن را بسیار صمیمانه و شاعرانه پیش می‌برد و در میانه اشعار مطلب اصلی را بیان می‌کند (ر.ک: قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۰۵). فروغی نیز در چهار نامه که به سیدحسن تقی‌زاده نوشته، هرچند مختصر، قائل به ذکر ابتدا و انتها در پیش و پس مطلب اصلی شده است (ر.ک: فروغی، ۱۴۰۰: ۹۵-۱۱۰).

۴.۲.۴. پایان نامه با عبارت یا مصراع

شاهد‌های متنی در انتهای نامه، جامع‌تر از شواهد ذکر شده در متن بوده است. این کاربرد که حسن ختامی برای این ارتباط مکتوب قلمداد می‌شده، کارکردهایی همچون ماندگاری مفهوم و صورت بیت یا عبارت و تلطیف فضای نامه داشته است. این درحالی است که محتوای بسیاری از نامه‌های این دو سیاستمدار با گزارش رخداد‌های ناخوشایند و بحران‌های سیاسی و اجتماعی گره خورده و تلطیف فضای گفت‌وگوی مکتوب، اندیشه‌ای هوشمندانه است. ایران اول باید وجود پیدا کند تا بر وجودش اثر مترتب شود. وجود داشتن ایران، وجود افکار عامه است. وجود افکار عامه، بسته به این است که جماعتی ولو قلیل باشند، از روی بی‌غرضی در خیر مملکت کار بکنند و متفق باشند. اما افسوس، بس گفتم زبان من فرسود» (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۶).

این قول، در شمار امثال و حکم آورده شده است: «بس که گفتم زبان من فرسود. نظیر: بس که گفتم زبانم مو در آورد» (دهخدا، ۱۳۶۱: ۱/۴۳۹). دوست عزیز، خاطرت را فرسودم، معذور دار ما را و اجازه بده یک کلمه دیگر بگویم (فروغی، ۱۴۰۰: ۲۹۳).

به بخشی از بیت حافظ اشاره شده است:

«حافظ به خود نپوشید این خرقة می‌آلود ای شیخ پاکدامن، معذور دار ما را»
(حافظ، ۱۳۶۲: ۲۶)

قائم‌مقام در انتهای یکی از نامه‌ها، یک بیت از شیخ اجل را این چنین نقل می‌کند:

«از دُبی و آخرت گریز است وز صحبت دوست ناگزیرم
اللهم ارزقنا والسلام»
(قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۸۶)

این بیت، بیت دوم از غزل ۴۴۶ سعدی است. به مطلع:

گر من ز محبت بمیرم دامن به قیامت بگیرم

(سعدی، ۱۳۸۰: ۶۲۷)

قائم مقام، علاوه بر اشعار دیگران، از سروده‌های خود هم در پایان نامه‌ها بهره می‌برد: این چطور مطلب نگاری و دلربائی بود؟ که تا مهر از سر نامه برگرفتم، بی اختیار شعله شوق

سرکش شد و خرمن صبر آتش گرفت، من نمی‌دانم که این جنس سخن را نام چیست؟

یک دلیری کنم قرینه شرک نکنم لا اله الا الله

(قائم مقام، ۱۴۰۰: ۵۴)

۵.۲.۲. کاربرد استشهداد ادبی

یکی از شیوه‌های تأکید بر معانی و اثبات آنها نقل گفتارهای مشهوری است که برای مخاطب آشناست یا در جامعه معتبر است. این‌گونه استشهدادهای ادبی، بیش از هر اشاره سبکی و غیرمستقیم، یادآور متون کهن و برقرارکننده ارتباط میان اجتماع و میراث فرهنگی است. استشهدادهای ادبی در نامه‌های فرهیختگان از متون مشهور هستند و می‌توان با تأمل در آنها، فضا و تفکر حاکم بر جامعه و همچنین کتاب‌های محبوب در دوره نگارش نامه‌ها را دریافت. این نمونه‌ها را می‌توان در دو دسته نقل مصراع یا بیت و عبارات منشور فارسی یا عربی تقسیم کرد.

۶.۲.۲. نقل ابیات و مصراعات

استشهدادهای منظوم، گاه به صورت یک بیت و گاه به صورت مصراع، در بخش‌هایی از کلام نقل می‌شوند. گنجاندن شاهد‌های متنی در این بخش‌ها با هدف تأکید و ماندگاری بهتر در ذهن مخاطب صورت گرفته است. این جایگاه، انتهای پاراگراف‌ها و به‌منزله فرود کلام و پایان دادن به مبحثی فرعی در نامه است که با عبارت یا مصراعی آهنگین ماندگار می‌شود. چنانچه این عبارات از متن نامه‌ها حذف شوند، مطالب در ذهن مخاطب ماندگار نخواهد شد. درعین حال، این شواهد ادبی در میان موضوعات فاصله ایجاد می‌کنند و نشانه‌هایی آگاهی‌بخش‌اند که خواننده را از تغییر موضوع آگاه می‌کنند. استفاده از استشهدادهای موزون موجب می‌شود موضوع فرعی با عبارتی دلنشین پایان یابد و خواننده موضوع را با آن مصراع یا بیت به خاطر بسپارد. این نکته از حیث نشر فرهنگ و ادبیات مهم تلقی می‌شود. از سویی، نگارنده نامه با استفاده از عبارات متون کهن از لایه‌های پنهان در آثار ادبی و معانی ثانویه آنها بهره می‌برد و مفاهیمی را که بیان صریح آنها میسر نیست در قالب متن ادبی بیان می‌کند. قائم مقام نسبت به فروغی از عبارات عربی بیشتر بهره برده است.

فقط امیدی که می‌توانم به خود بدهم این است که همان‌طور که برخلاف قواعد عقلی تاکنون این ملت و دولت باقی‌مانده (اگرچه به کثافت و فضاخت) باز هم بماند، یا بهبودی یابد و آلا در جبین این کشتی نور رستگاری نیست (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۹).

بیت در مدخل «نسیم شمال» و در بخش سروده‌های او در لغت‌نامه دهخدا مذکور است:

این زمین بی‌حاصل جای آبیاری نیست
بر جبین این کشتی نور رستگاری نیست
(دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴/۲۲۴۷۳)

رقمیجات مفصل مصحوب ذوالفقاریک رسیده بود. عریضه مختصر در جواب می‌نوشتم. تا اواسط صفحه طوری با هم راه آمدم، آنجا قلم سرکشی کرد، عنان از دستم گرفت، پیش افتاد، دیدم بی‌پیر از خامه سرکار وقایع‌نگار اقتباس کرده؛ زاغ است و زاغ را صفت کبک آرزوست (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

خاقانیا! خسان که طریق تو می‌روند
زاغند و زاغ را صفت بلبل آرزوست
(خاقانی، ۱۳۹۱: ۸۳۹)

در حاشیه همین صفحه از دیوان خاقانی، از نسخه‌بدل، «روش کبک آرزوست» نقل شده است.

۷.۲.۲. عبارات منثور عربی یا فارسی

این استشهادهای کوتاه که در میانه مطلب ذکر می‌شود، کارکرد متفاوتی با نوع نخستین دارد. برخلاف نوع نخست، این عبارات مطلب را خاتمه نمی‌دهند و دوسوی سخن را به هم پیوند می‌زنند. در این نوع نقل شاهد، از نمونه‌هایی بهره گرفته می‌شود که مصداقی برای گفتارهای پیشین باشد یا در قالب عبارتی بسیار کوتاه، معنای محوری را برای مخاطب بیان کند. این جملات عموماً مسجع‌اند و به سبب آهنگین‌بودن، در ذهن مخاطب ماندنی‌تر خواهند بود.

آیا غیر از این چاره داریم که به نماز ایستاده دست به دعا برداشته، بگوییم: الهی عاملنا بفضلک و لاتعاملنا بعدلک (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۸).

زیرا هرچند هیچ وقت قرآن و شمایل از جیب و بغل بیرون درنیاورده‌ام، کاملاً معتقدم که در عالم حقیقتی هست و به او اتکا و اتکال دارم و هو نعم الوکیل (همان، ۲۹۰).
می‌فرمایید در این مدت کسی به فکر من نیفتاد. بفرمایید کسی به فکر چه افتاد؟ آنچه من می‌بینم در این مملکت همه کس از اعلی و ادنی بدون استثنا (یعنی اگر استثنایی باشد همان در حکم النادر کالمعدوم است) وجهه همتش تحصیل مال است و بس (همان، ۹۸).

جلوش را محکم کشیدم. خانه خراب همه مرغ، طوطی و بلبل می‌شود که بی‌پرده عاشق باشد و خوش‌لهجه و ناطق گردد. مُتِ بَدَاءِ الصَّمْتِ خَيْرٌ مِّنْ دَاءِ الْكَلَامِ. و ما أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

۲.۲.۸. کاربرد ضرب المثل‌های ساده و عامیانه

زبان عامه مردم به نوعی فاصله گرفتن از صورت معیار زبان به حساب می‌آید: زبان معیار یکی از گونه‌های رایج در جامعه زبانی است که با تغییراتی در صورت و ساخت (تدوین و تثبیت)، نیز نقش و کارکرد آن (گسترش نقش و کارکرد) ایجاد می‌گردد و از سوی اکثر افراد جامعه زبانی به عنوان الگوی زبانی معتبر پذیرفته می‌شود و در نوشتارهای رسمی و گفتارهای برنامه‌ریزی شده به کار می‌رود (سارلی، ۱۳۸۷: ۴۳).

از دیگر روش‌های ایجاد صمیمیت میان نویسنده و خواننده نامه، استفاده از عبارات ساده و عامیانه است که گاه صورت شوخی و مطایبه به خود می‌گیرد. هرچند ذکاءالملک و قائم‌مقام هردو از مفاخر فرهنگ و تاریخ ایران هستند، از جو عمومی جامعه و فرهنگ کوچه و بازار جدا نمی‌شوند. برخی از کاربردهای چنین عباراتی، گاه با قصد کنایه است، گویی نویسندگان می‌خواهند به اولیای امور طعنه بزنند و بگویند درحالی که عامه مردم از این مسئله باخبرند یا برای حل این مشکل ایده‌ای دارند، فضلا ناآگاه‌اند یا سکوت اختیار کرده‌اند. درباب قائم‌مقام می‌توان از هوشمندی و موقعیت‌سنجی او یاد کرد، نکته‌ای که فروغی هم بدان بسیار پایبند است:

میزان بهره‌گیری منشآت قائم‌مقام از زبان عامه به موضوع و مخاطب نامه و همچنین احوال وی بستگی کامل دارد. قائم‌مقام با استعداد شگرف و شمّ ساحرانۀ خود و با اشرافی که بر علوم بلاغی از جمله معانی داشته و به موجب سخن «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد»، به خوبی دریافته بود که نامه‌های جدی و رسمی در پذیرش واژه‌های عامیانه و متداول کوچه و بازار یا مثل‌ها و اشعار عامیانه بسیار مقاومت نشان می‌دهند و استعمال این عناصر در چنین نامه‌هایی به دشواری صورت می‌گیرد یا محال است؛ اما در مقابل، نامه‌های دوستانه، فضای خودمانی و عاطفی و صمیمی می‌طلبد و عناصر عامیانه نیز این اهداف را تقویت می‌کند و البته پس از گذشتن از صافی ذوق نویسنده اجازه ورود می‌یابند (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

همین نکات را درباب فروغی می‌توان مطرح کرد. او با سنجش موقعیت، از امثال و واژه‌های عامیانه بهره می‌برد و فضای نامه را (به‌ویژه در نامه‌های دوستانه) تلطیف می‌کند. البته، قائم‌مقام از عبارات و واژه‌های عامیانه بیش از ضرب‌المثل بهره برده است.

دولت روم هم به تأیید شاه مردان، ضربی خورده و حسابی برده‌اند... مردمان اهل سنگین متینی هستند، این قدر سبک و تنگ و جاهل نیستند که دنبال گرد صحرا بیفتند و از پی مرغ در هوا روند (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۵۲).

که عریضه را محمودخان همراه نیاورده، میرزا هدایت دمیق به صف آمد و محمودخان دمیق از دیوانخانه دررفت و شاه دمیق از تخت برخاست (همان، ۱۰۷).
سوار نقاب‌انداز اردبیل که بود و سبب شبروی انزلی و کسکر چه بود؟ قراول‌های دریاکنار را با جنّ و پری سروکار است یا باقلای خام و اشپل ماهی بخار کرده؟ (همان، ۱۰۴).
یکی از نمونه‌های نگارش صمیمانه و کاربرد عبارات و واژه‌های ساده، نامه قائم‌مقام به همشیره نایب‌السلطنه است که در انتهای این نامه ابیاتی از خودش هم نقل می‌کند:

دیشب اینجا نبودید، اوقات بر من تلخ بود. نه خواب کردم نه کار تا حالا که صبح شد... اما نمی‌دانم جواب نایب‌السلطنه را امروز چه بگویم که دیشب از دست شما هیچ کار از پیشم نرفته، تا حالا که دو ساعت از روز گذشته، هیچ نخوابیده‌ام... آه از دست تو! آه از دست تو! (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

رفقا هم بینی و بین الله همه خوب بودند (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۶).
چقدر می‌شود به سیلی صورت خود را سرخ نمود؟ (همان، ۷۴).
اگر می‌دیدید انگلیس‌ها در عین‌اینکه خود را از تگ‌وتا نمی‌اندانند، چقدر متزلزل و نگران بودند و هستند. اما چه فایده؟ ملت ایران که در بین نیست (همان، ۷۸).
افسوس در همین است که اگر دنیا را آب ببرد ما را خواب برده است (همان، ۸۰).

۲.۹. غلبه کاربرد جملات کوتاه بر جملات بلند

زمانی که خواننده نامه نسبت به موضوعی آگاه است و در نامه چندین موضوع مطرح می‌شود، از جمله‌های کوتاه بهره می‌برند. در مقابل، هنگامی که مخاطب از موضوع سخن یا رخدادی خاص بی‌اطلاع است، نیاز به ارائه توضیح در جملات طولانی‌تر هست. فروغی و قائم‌مقام آنگاه که قصد شرح واقعه یا ارائه گزارشی به مخاطب خود دارند، از جملات طولانی‌تر استفاده می‌کنند؛ ولی زمانی که از مفاهیم آشنا سخن می‌گویند، از جمله‌های کوتاه بهره می‌برند.
کار دنیا شوخ نیست، جدیت می‌خواهد، عقل می‌خواهد، دلسوزی برای مملکت می‌خواهد (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۸).

اگر چنین سخنی شنیدی، زنهار فریب مخور، ظاهر بین مباش، حقیقت پنهان نمی‌ماند. درست که جمع و خرج کنی، باز صرفه در درستی و راستی است و من نباخته‌ام. تحقیق مطلب طولانی است و فعلاً مجال بحث آن نیست (فروغی، ۱۴۰۰: ۲۹۴).

حالا که این طور اتفاق افتاد، کاغذها و آدم‌هایی که از جانب او می‌رفتند، جا ندارد که بروند. اگر نروند هم موعد کرور می‌رسد و ایلچیانیه که بدتر از محصلین غلاظ و شدادند، خواهند آمد. پولی در خزانه عامره موجود نیست، اهل ایران هم برای حفظ مملکت یک دینار هم نمی‌دهند. ولیعهد مرحوم مغفور هم در حیات نیست که فکری و دست و پای بکند (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۲۷۶).

۲.۱۰. جملات معطوف و مرتبط با یکدیگر

مطالبی که در نامه‌ها مطرح می‌شوند، از آنجاکه مربوط به یک موضوع کلی و حاکی از اتفاقات یک بازه زمانی خاص هستند، با هم ارتباط دارند. این رخدادها که در تحلیل نویسندگان نامه‌ها اثرگذارند، در متن پی‌درپی می‌آیند، یا به واسطه واو عطف به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این گونه برقراری ارتباط در زمینه شرح وقایع همزمان تاریخی یا واکنش‌های صاحب‌منصبان به رخدادهای خاص کاربرد داشته است.

دره‌رحال، در این میانه، امید بزرگ به مجمع ملل است. اگر این اساس حقیقتاً درست شد، می‌توان امیدوار بود که بنای کار دنیا، فی‌الجمله، بر شالوده صحت و حقیقت و عدل و حقانیت گذاشته می‌شود، اگر این هم نشد، تمام زحمات هدر است و صدماتی که مردم خورده‌اند، بیهوده بوده (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۱).

سست‌عنصری و سبک‌سری ما به جایی رسیده که از یک طرف، جراید جدیدالتأسیس ما به مناسبت احوال روسیه، موسوم به «طوفان» و «آشفشان» و «احشویروش» می‌باشند (به مناسبت اینکه وزیرمختار روس یهودی است). از طرف دیگر، آخوند و ملا و روضه‌خوان، منکر مدارس جدید شده، می‌خواهند در آنها را ببندند و روزنامه‌ای که برای نسوان طبع می‌شود، توقیف می‌کنند. مختصر خربازار غریبی است (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۹).

اگر آن جناب چنین داند که این اظهار هم موهم گمانی خواهد شد که ما خود را درین ضمن ملاحظه کرده‌ایم، مأذون است که هیچ عرض نکنند، یا اسم ما را بر زبان نیارد؛ چراکه ما خود را ناقابل‌تر از آن می‌دانیم که اسم ما در حضور باهرالتور اشرف اقدس همایون مذکور شود که از ابتدای عمر هرگز هوا و هوسی از خود نداشته‌ایم. خصوصاً بعد از این قضیه که از دنیا و مافیها سیر شده‌ایم و از حیات خود دلگیری هستیم و به خدا که فرمایشات مصحوبی لاجین‌خان و فرمان‌های مرحمت‌آمیز همایون شاهنشاهی باعث شد تا حال راه می‌رویم؛ و آلا نه چنان افسرده و پژمرده شده بودیم که تا نفس آخرین به حال توانیم آمد (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۲۷۸).

۱۱.۲.۲. تکرار فعل و واژه‌های مترادف

این شیوه متأثر از سبک دوره سامانیان است. در دوره‌های نخستین ادبیات، هنوز تکرار عبارات و واژه‌ها خسته‌کننده تلقی نمی‌شده و از روش‌های تأکید بر مفاهیم بوده است. با توجه به تسلط این دو ادیب سیاستمدار بر زبان، نمی‌توان تکرار فعل در نامه‌های ایشان را به سبب نیافتن جایگزین مناسب دانست، بلکه می‌توان برخاسته از اغراض بلاغی و در رأس آنها تأکید بر شمرده. کاربرد مترادفات این نکته را آشکار می‌کند که نگارندگان از مفاهیم کاملاً آگاه بوده و از مترادفات برای شرح بهتر بهره برده‌اند.

به کلی از اوضاع مملکت و پلیتیک دولت و مذاکراتی که با انگلیس کرده‌اند و می‌کنند بی‌اطلاعم و یک کلمه دستورالعمل و ارائه طریق، نه صریحاً نه تلویحاً، نه کتباً نه تلگرافاً، نه مستقیماً نه به واسطه، به ما نرسیده (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۸).

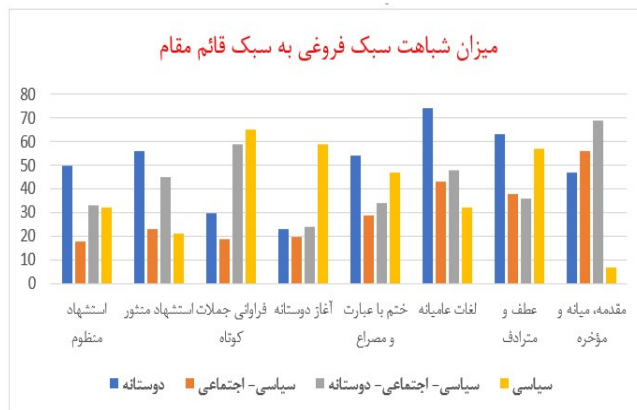
انسانیت دنیا را گرفت. تازه آن وقت درست فکر کنیم، ببینیم حقاً از روی عدالت و انسانیت و مروت وقتی که بخواهند با ما معامله کنند چه باید بکنند (همان، ۷۸).
بنده به اقتضای جبن و احتیاطی که با لذات دارم، به کنایه و رمز، معتقدم تا از سعایه و غمز محترز باشم (فائهمقام، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

اگرچه از جانب ایلچی انگلیس و مستر مک‌نیل نایب، مکتوباً و ملفوظاً، حرفی در این مواد نشنیده‌ایم، لکن یقین است آنها هم در باب حکیم‌باشی همین‌طور سخن‌ها خواهند گفت (همان، ۲۷۶).

درصد شباهت نامه‌های فروغی به منشآت فائهمقام، براساس ملاک‌های مطرح‌شده در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار ۱. میزان شباهت سبک فروغی به سبک فائهمقام

Chart 1. The Degree of Similarity Between Foroughi's style and Qa'im Maqam's style



۳.۲. تفاوت‌های سبکی نامه‌های فروغی و قائم‌مقام

علاوه بر شباهت‌های سبکی نامه‌های این دو ادیب، که برخاسته از مشابهت در آگاهی از علوم ادبی و مناصب سیاسی ایشان است، تفاوت‌هایی در شیوه نگارش آنها جلب نظر می‌کند. این تفاوت‌ها، بیش از هر عاملی، نشئت گرفته از تفاوت در زمانه و نگاه به مسائل روز است. توجه به زمانه و مسائل روز نقطه مقابل کهن‌گرایی و الزام به حفظ صورت کهن در نامه‌ها است. تفاوت اصلی شخصیت فروغی و قائم‌مقام - که موجب تنوع سبک نامه‌هایشان شده - انتخاب یکی از این دو عامل و التزام به آن است. قائم‌مقام تا جایی خود را ملزم به بهره‌گیری از سبک کهن می‌داند که با صرف نظر از برخی اصطلاحات و نام‌های جدید، اثرش با نامه‌های متون عهد خراسان و عراق یکسان شود. این درحالی است که فروغی با نگاهی نوگرا مسائل روز را با ادب کهن تلفیق کرده است. به عبارتی، تکیه قائم‌مقام بر ادب کهن و اتکای فروغی بر مفاهیم دنیای جدید است. این تفاوت‌ها در دو دسته مفهومی و لفظی قابل تقسیم‌اند.

۳.۱. میزان شرح و تفصیل رخدادهای سیاسی

از آنجاکه در صورت و مفاهیم منشآت قائم‌مقام کهن‌گرایی غلبه دارد، تحلیل رخدادهای سیاسی در نامه‌های او بسیار کوتاه است. از این نظر، شباهت فراوانی به شکوه‌های ادبای قدیم از اوضاع نابسامان جامعه دارد. این تحلیل‌ها در میان واژه‌ها و عبارات فارسی و عربی قرار می‌گیرد. در مقابل، فروغی اساس بیشتر نامه‌ها را بر بحث از جامعه و سیاست نهاده است. حتی در نامه‌های دوستانه او، نگاه عمیق به مسائل و تحلیل رخدادهای پرنرنگ است. منشأ این نگاه، اشتغال مداوم فروغی به منصب‌های عالی دولتی، ارائه تحلیل و راهکارهای مطابق با سیاست روز و تلاش برای آگاه کردن مخاطب است.

حضرت عالی می‌دانید که قحط‌الرجال امروزی ما نتیجه آن است که در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه از لیاقت اشخاص صرف نظر شده و هوسناکی اولیای مملکت مدار امور بود. حالا به مراتب بدتر شده و فقط انتریگ و دسیسه و دسته‌بندی و فحاشی و بستگی به مقامات مقتدره خارجی و داخلی میزان پیشرفت مقصود است (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۹).

در سال قبل، موقعی که برای مجمع عمومی در ژنو بودم، شخصی از اهل ذوق نزد من آمده، گفت: جنگی ترتیب داده‌ام که بسیاری از رجال حاضر در آن راجع به جامعه ملل هریک به خط خود چیزی نوشته‌اند. از شما خواهش دارم چندسطری بنویسید. من عبارتی نوشتم که معنی آن این بود که: جامعه ملل وقتی درست می‌شود که مردم بفهمند که مانند حیوانات

نیاید با هم در تنازع باشند، بلکه برای غلبه بر موانع طبیعی باید با یکدیگر متحد شوند و شعر مولانا جلال‌الدین رومی را شاهد آوردم که می‌فرماید:

جان گرگان و سگان از هم جداست متحد جان‌های مردان خداست
(فروغی، ۱۴۰۰: ۱۶۵)

اما حرب ساوه تُرک، خاص بهرام چوبینه است، سرهای بی‌تمکین را جز به پای بی‌تمکین نشاید سپرد، معارضه به مثل را از دست نباید داد، بلدهای راه از رهنمای آگاه بی‌نیازند. گمراهان محتاج دلیلند و رهبران کمیاب و قلیل (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۷۲). بلی، با شما و سلمان در تجاهر ایمان بر نمی‌توان آمد. سیفِ شاهر است؛ صدق ظاهر، مخصوص صادق مروزی. نه هر کس حق تواند گفت گستاخ (همان، ۱۲۰).

۲.۳.۲. کمیت و کیفیت کهن‌گرایی

مسئله کهن‌گرایی علاوه بر تأثیرگذاری بر رویکرد و مفاهیم نامه‌ها، بر صورت این آثار هم مؤثر است. در واقع، نگارنده با توجه به گستره آگاهی‌اش، مفاهیمی را برای بیان برگزیده و در قالب واژه‌ها و عبارات قرار می‌دهد. انتخاب مفاهیم از نظام ذهنی و تفکر غالب نویسنده سرچشمه می‌گیرد. این نظام در ذهن قائم‌مقام بر پایه اندیشه‌های عهد بازگشت و در ذهن فروغی، بر اساس تفکر غالب سیاست و حقوق دنیای جدید است. اتکای فروغی بر ادبیات فارسی، به سبب دانش گسترده او و علاقه به ایران و فرهنگ آن بوده است، در حالی که تأثیر سبک خراسان و عراق بر کاربردهای لفظی و معنایی قائم‌مقام کاملاً آشکار است. در جایگاهی که استفاده از الفاظ فارسی و عربی در منشآت با انگیزه لفظ‌پردازی و جلب توجه بوده، در نامه‌های فروغی، واژگان فارسی کهن با هدف زیباسازی و در حد تعادل به کار رفته است. این نکته مخاطب را جذب و همزمان با خواندن مفاهیم تازه، او را با ادب و فرهنگ کهن آشنا می‌کند. بالاخره چندی قبل لرد کرزن که امروز سلسله‌جنبان پلیتیک آسیایی انگلستان است به پاریس آمد. مشاور الممالک را واداشتیم کاغذ خیلی مؤدب گرمی به او نوشته تقاضای ملاقات کند. لیکن او یک روز بیشتر در پاریس نماند و ملاقات واقع نشد (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۹). تمام دنیا ضعیف شده، مدعی‌های بزرگ او از پا درآمده‌اند. چشم بد روزگار بگذارد، کار به کام است (همان، ۷۰).

در هر حال، برای ارمنستان و گرجستان هم خدا بزرگ است و دست حیلہ دراز (همان، ۷۱). یغمای اول که در مقدمه امیرخانی به بنگاه اولاد رسول رسید و آخر تابع له علی ذلک. غارت دویم که در مقدمه سپهداری به خانواده احفاد بتول افتاد، اللهم العن العصابه التي دحلت تبریز و نهبت البیت اللبریز من الجاقوهی التند و المقراضهای التیز (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۶۸).

۲.۳.۳. همه‌فهم و کاربردی بودن سبک

همان‌طور که آثار سبک بازگشت در دوره نگارش مخاطب محدودی داشته، منشآت قائم‌مقام هم، به‌سبب ادبیت، مخاطب عام نداشته است. این نامه‌ها به‌دلیل اشتغال بر واژه‌ها و ویژگی‌های نثر کهن، در زمان خود و حتی دوره‌های بعد، امکان فهم همگانی نداشته‌اند. درمقابل، سادگی نسبی سبک فروغی و کاربرد معتدل آرایه‌ها، امکان فهم و کاربرد گسترده‌تر را فراهم آورده است؛ به‌گونه‌ای که قرائن متنی نکته‌مبهمی برای مخاطب باقی نمی‌گذارد. شیوه فروغی مانند نثرنویسانی چون سعدی برای همه دوره‌های پس از خودش قابل درک است.

فرانسوی‌ها گاهی از زیر فشارهای دیگر سردرآورده می‌گویند: بنا بود سوریه متعلق به ما شود، آن را هم به دسیسه و روکش کردن امیر حجاز، یک فکری برایش می‌کنند (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۰).

اما اوضاع داخله ممالک اروپا هم خوب نیست. ملت‌ها از دولت‌ها راضی نیستند و حوصله‌شان سررفته. عملیات متصل گرو می‌کنند. الآن چند روز است بسیاری از عملیات گرو کرده‌اند و محتمل است بسط پیدا کند... اروپایی‌ها هم از بسط و سرایش بلشویزم در ممالک خود فوق‌العاده واهمه دارند... مادام که روسیه سامان نگیرد، تکلیف اروپای شرقی بلکه آسیا هم معلوم نمی‌شود (همان، ۷۱).

ذکری که در قرارنامه صلح دولتین درباب ایل بابان و سنجاقت کردستان شده بود، به‌طرزی که البته مقروع سمع شریف عالی شده، مقبول طبع اشرف اعلی نیفتاد و کار به تجدید مکالمه از حضرت نیابت سلطنت افتاد و به عون الهی و بخت شاهنشاهی، سرعسکر جانب سرهنگ که به سفارت منصوب است نموده و اینک امروز که هفتم ربیع‌الثانی است، به رفاقت توفیقات سبحانی روانه می‌شود و امید هست که به وضع خوب، بی‌جنگ و آشوب، مقاصد این دولت در آن دولت ساخته شود و بار دیگر تیغ جدال بین‌المسلمین آخته نگردد (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۵۲).

۲.۳.۴. جایگاه مفاهیم نو و نوگرایی

سبک بازگشت چنان‌که از نام آن دریافت می‌شود- برپایه گرایش به گذشته است. پیروان این سبک از تحولات روز و دنیای معاصرشان استقبال نکردند و به تقلید از سبک و زبان پیشینیان دل‌بستند. این عامل در منشآت قائم‌مقام هم با گرفتارشدن در مفاهیم کهن و کم‌توجهی به نوگرایی و صورت‌های تازه قابل مشاهده است. این درحالی است که فروغی درکنار دل‌بستگی به ادب و فرهنگ کهن، به موقعیت‌ها و رخدادهای روز توجه دارد و گرایش او به نوشتن گرایشی متعادل و مفید است. این نگاه و تمایل به نوگرایی، با تکیه بر پشتوانه

ادبی- فرهنگی، به نگاشته‌های او منحصر نشده است. در واقع، نگاه نوگرایی ذکاءالملک از اندیشه‌ی او سرچشمه گرفته است و ابتدا در قالب کنش‌های سیاسی- اجتماعی و سپس نامه‌های او آشکار می‌شود، به طوری که:

به‌چند می‌توان فروغی را روشنفکری عملگرا نامید؛ وی گذشته از تألیف و تحقیقات نوگرایانه در زمینه‌های مختلف فرهنگی، که برخی از آنها برای نخستین‌بار در زبان فارسی منتشر می‌شدند، در فعالیت‌های اجرایی و مقامات سیاسی نیز وارد شد و با پشتکار و پشتوانه علمی و فکری که داشت، توانست بعضی از نهادهای مدرن را در ایران تأسیس و راه‌اندازی کند... قرارگرفتن فروغی در پست‌های سیاسی و فرهنگی از یک‌طرف به عملی‌شدن اندیشه تجدید در جامعه انجامید و از طرف دیگر، باعث پدیدآمدن نهادهای مدرنی شد که چهره اجتماع و فرهنگ ایرانی را از الگوهای سنتی دور می‌ساخت (حقدار، ۱۳۸۴: ۲۶).

عمل‌گرایی فروغی را از اظهاراتش درباره گفتار و رفتار خود می‌توان دریافت. او به مخاطب می‌گوید نباید از هیچ تلاشی فروگذار کنند و لازم است برای برقراری ارتباط با دنیا و قرارگرفتن در جریان رخدادهای نو بکوشند:

وانگهی هر کاری باید کرد چرا نمی‌کند تا ما بتوانیم بگوییم ما مشغول هستیم؟ اظهار حیاتی، عرض لحيه‌ای، آخر همه را که نمی‌توان مغلطه کرد و گفت ایران مملکت داریوش و انوشیروان است. من چند مرتبه بوذرجمهر و نظام‌الملک و فردوسی و خواجه نصیر تحویل مردم بدهم؟ چقدر شعر بخوانم و عرفان بیافم؟

خلاصه از طرف دیگر هرچه سعی کردیم با انگلیسی‌ها نزدیک شویم و آنها را رام کنیم، گفتند ما در طهران با دولت ایران مشغول مذاکرات هستیم و عن‌قرب نتیجه حاصل می‌شود (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۸).

فروغی علاوه بر اهمیت روی آوردن صاحب‌منصبان به تحولات روز، آشنایی مردم را با دنیای جدید مهم دانسته و بیش از هر نکته‌ای، ارتقای سطح افکار عمومی را مایه پیشرفت تلقی کرده است:

فروغی در تبیین سوبه‌ای از عقب‌ماندگی سیاسی و اجتماعی ایران، به عنصر پایه‌ای افکار عمومی می‌پردازد. او بر این بود که بدون شناخت آحاد مردم از منافع ملی خود و بدون تعریف منفعت ملی، پدیده ملت مفهومی تهی و ناسازه است و جریان نوسازی کشور، فاقد یکی از ارکان مهم مدرنیته سیاسی است (حقدار، ۱۳۸۴: ۲۷).

فروغی در نامه خود به ابراهیم حکیم‌الملک پیشرفت کشور را در گرو وجود تفکرات مترقی در میان عامه مردم می‌شمارد:

ایران ملت ندارد. افکار عامه ندارد. اگر افکار عامه می‌داشت به این روز نمی‌افتاد و همه مقاصد حاصل می‌شد. اصلاح حال ایران و وجود آن متعلق به افکار عامه است و اگر بگویند تعلیق و محال می‌کنی عرض می‌کنم خیلی متأسفم. اما درحقیقت نمی‌توانم صرف‌نظر کنم. من همه وقت از همه کس خوش‌بین‌تر بوده و باز هم خوش‌بین هستم. اما امیدم فضل خداوند است نه به اسباب ظاهر (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۴).

این درحالی است که در نگاه و نوشتار قائم‌مقام، کهن‌گرایی بر نوگرایی غلبه دارد. قائم‌مقام در تدوین صورت نامه‌ها بیشتر پیرو قدما است و نگاه نو در نامه‌هایش کم‌رنگ است. قائم‌مقام تلاش کرده است با توجه نسبی به مردم، و شناخت ماهیت و رفتار آنها، اوضاع جامعه را بهتر تحلیل کند و در نامه‌ها از جامعه و حوادث روز سخن بگوید. این تلاش‌ها هرچند اندک بوده و در مقایسه با کهن‌گرایی او چندان پررنگ نیست، سرآغازی برای توجه فرهیختگان به مردم جامعه است و ارزشمند تلقی می‌شود.

همین‌که ازین طرف سپاهی مستعد برود و قلاع مسترد بشود، ان‌شاءالله آرامی خواهند گرفت. مردمانِ اهلِ سنگینِ متینی هستند. این قدر سبک و تنگ و جاهل نیستند که دنبال گرد صحرا بیفتند و از پی مرغ در هوا روند. ایلات بابان از آفتاب روشن‌تر است که نوکر قدیم این دولت قویمند و اگر منکر و مشاجری باشد، برهانی قاطع مثل همراهان سرتیپ با نظم و ترتیب و سیف و سنان، طوع العنان در دست دارند (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۵۲).

۲.۳.۵. استفاده از واژه‌های غیرفارسی

ورود کلمات خارجی به هر زبان -از جمله زبان فارسی- امری ناگزیر است. علت این امر، جایگاه واژه‌ها به‌عنوان گذرگاهی برای ورود اندیشه‌های جدید در زبان‌های بیگانه است. استفاده از این کلمه‌های تازه‌وارد باید با رعایت تعادل باشد تا شمار آنها از واژه‌های فارسی بیشتر نشود. در نامه‌های قائم‌مقام غلبه با واژگان عربی است، به‌گونه‌ای که با وجود امکان جایگزینی واژه‌های فارسی با عربی، قائم‌مقام از واژه‌های عربی بهره برده است. کاربرد واژه‌های عربی به‌جای فارسی، موجب دورشدن از فرهنگ و زبان فارسی و سوق دادن اندیشه مخاطب به سوی فرهنگ دیگری می‌شود. کلمات بیگانه نامه‌های فروغی با مفاهیم سیاست روز دنیا یا پلئیتیک مدرن مرتبط است. از آنجاکه محتوای بیشتر این نامه‌ها با بیان مفاهیم، و اظهار نظر و تفسیر واقعه‌های روز گره خورده، فروغی از کاربرد این واژه‌ها ناگزیر بوده است. در عوض، نامه‌ها با گنجاندن لغات مترادف،

به‌گونه‌ای تدوین شده که مخاطب، مفهوم را به‌خوبی درک می‌کند. این درحالی است که مقصود قائم‌مقام در منشآت را تنها مخاطبِ فاضلِ همعصر او به‌خوبی می‌تواند درک کند.

یگانه وسیلهٔ تحصیل شغل و مقام و هر مقصود دیگر، امروز، دست‌بندی و انتریک‌بازی و شارلاتانی است (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۸).

تاکنون نه شارلاتانی کرده‌ام، نه خودستایی؛ نه هوچی بوده‌ام، نه انتریک‌باز؛ برای رسیدن به مناصب و امتیازات و تحصیل شهرت و نام، اسباب‌چینی و دسیسه‌کاری نکرده و تاکنون هر مقامی را دارا شده‌ام، اعم از وکالت و ریاست و وزارت، بدون استثنا آن مقام دنبال من آمده است، من از پی آن نرفته‌ام (فروغی، ۱۴۰۰: ۲۹۰).

کتاب شما غالباً کلیات نوایی بود و جزئیات هوایی را که مغلوب ساخت. این هنوز از نتیجهٔ سحر است. به فضل الله صبح‌های روشن و باغ‌های گلشن در پیش داریم... مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد، قانع الرأس عجب نفس، باطل السحر کین و کبر، هباکُن هر هوا، فتورده هر غرور، جامع الخیرات، مانع الشرور (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۶۰).

شروخی چند که برحسب فرمایش در طی نگارش آمده بود، زیارت شد. آنچه نوشته بودید، آفت هوش بود و هرچه فرموده بودید، آویزهٔ گوش. خاطر همايون سلطانی، مهبط حکمت‌های سبحانی است که بندهٔ ناتوان را به رحمت بی‌کران مژدهٔ رحمت بدهد، لطمهٔ تربیت بزند، زخم و مرهم با هم فرستد و درد و درمان، توأم. سبقتِ رحمه و وسعت کل شیئی نعمه (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۸۷).

جدول‌های جمع‌بندی

در جدول ۴، تفاوت میزان پایبندی فروغی و قائم‌مقام در نامه‌هایشان، به هریک از ملاک‌های سبکی به‌صورت کمی ذکر شده است:

جدول ۴. توصیف کمی ویژگی‌های سبکی منشآت قائم‌مقام و نامه‌های فروغی

Table 4. Quantitative Description of the Stylistic Features in Qa'im Maqam's monsha't and Foroughi's Letters

شماره	ویژگی‌های سبکی	قائم‌مقام	محمدعلی فروغی
۱	میزان شرح و تفصیل رخدادهای سیاسی	٪۳۵	٪۷۳
۲	دلبستگی به کهن‌گرایی	٪۸۶	٪۳۷
۳	بهره‌گیری از واژه‌های عربی	٪۷۱	٪۳۳
۴	بهره‌گیری از واژه‌های فرنگی	٪۶	٪۵۷
۵	همه‌فهم و کاربردی بودن مطالب	٪۳۸	٪۸۹
۶	بهره‌مندی از مفاهیم مدرن	٪۲۲	٪۸۳

در یک نگاه تحلیلی، می‌توان حوزه‌های سبکی نامه‌های فروغی را به چهار دسته اصلی زبان، فکر و اندیشه، بلاغت و مفاهیم تاریخی - اجتماعی تقسیم کرد. فروغی از سویی دلبسته ادبیات کهن فارسی است و نگاشته‌های او با این متون پیوند دارد. در مقوله زبان و بلاغت، به سبب غلبه کهن‌گرایی از منشآت الگو برداشته است، در حالی که در زمینه اندیشه و اهمیت به مردم، نامه‌های فروغی نسبت به منشآت قائم‌مقام روی در امر روزی شدن دارد؛ به این سبب، فروغی در نامه‌ها نگاهی نوگرایانه دارد. گفتنی است قائم‌مقام هم در منشآت به رخدادهای روز اعتنا می‌کرده، ولی از آنجاکه مخاطب نامه‌هایش بیشتر صاحب‌منصبان بوده‌اند، شیوه بیان او با این دسته از مخاطبان هم‌خوانی داشته است.

فروغی خود از دانش ادبی و سیاسی بهره داشته و در نگارش نامه‌ها مقلد صرف نبوده است؛ از این رو، شایسته است از تأثیرپذیری او از قائم‌مقام با عنوان تلفیق یاد کنیم؛ زیرا این تأثیرپذیری در واقع تلفیق شیوه قائم‌مقام و دانش فروغی است. در برخی موارد هم شاهد نوآوری فروغی در سبک و اندیشه هستیم. از آنجاکه چنین نمونه‌هایی وابسته به زمانه فروغی و در شمار مسائل روز هستند، نمی‌توان ردپای منشآت قائم‌مقام را در سبک و سیاق آنها مشاهده کرد.

در جدول ۵، ویژگی‌های سبکی نامه‌های فروغی و کیفیت تلفیق یا نوگرایی در هریک از آنها مشخص شده است. در مقابل نمونه‌هایی که فروغی در تدوین آنها از منشآت الگو گرفته، واژه تلفیقی و در مقابل مواردی که استقلال سبک و نوآوری دارد، واژه نو ذکر شده است.

جدول ۵. تقلید و نوآوری در ویژگی‌های سبکی نامه‌های فروغی

Table 5. Imitation and Innovation in the stylistic Features of Foroughi's Letters

شماره	ویژگی‌های کلی	ویژگی‌های جزئی	تقلید و نوآوری
۱	زبان	استفاده از زبان روزمره و مردمی	نو
		استفاده از شواهد ادبی	تلفیقی
۲	فکر و اندیشه	جایگاه نوگرایی	نو
		جامعیت اندیشه	نو
۳	بلاغت	سازگاری یا درک مخاطب	تلفیقی
		توجه همه‌جانبه به مفاهیم	نو
۴	تاریخ - اجتماع - سیاست	مفاهیم روز و در جریان	تلفیقی
		دغدغه‌مندی برای رفع مشکل مردم	نو

۳. نتیجه‌گیری

در میان آثار ادبی فارسی، نامه‌ها از جمله آثاری هستند که در نگارش آنها از الگوهای مشابهی استفاده شده است. کیفیت این الگوها به عواملی مانند آگاهی‌های ادبی نگارنده و مخاطب

نامه، موضوع و زمانه نگارش بستگی دارد. علاوه بر شباهت‌های کلی ساختار نامه‌ها، برخی نامه‌نگاران به سبب شباهت در موضوع نوشته‌ها یا شخصیتشان، نامه‌هایی همسان نگاشته‌اند. از نمونه‌های این همسانی می‌توان به منشآت قائم‌مقام فراهانی و نامه‌های محمدعلی فروغی اشاره کرد، که هرچند همعصر نبوده‌اند، به دلیل شباهت در بهره‌مندی از دانش ادبی، جایگاه اجتماعی، مخاطب و موضوع نامه‌ها، مکاتباتی شبیه به هم دارند. قائم‌مقام و فروغی هر دو از ادیبان و صاحب‌منصبان دولتی در روزگار خود بودند و این عامل را می‌توان عامل محوری در مشابهت سبک نامه‌نگاری آنها دانست. شباهت در جایگاه اجتماعی و آگاهی ادبی به عنوان یک عامل اصلی، عوامل فرعی همچون مخاطبان و موضوع همسان در نامه‌ها را به دنبال دارد. هردو ادیب، به دوستان و مقامات عالی‌رتبه نامه نوشته و مسائلی را در اغلب این نگاشته‌ها مطرح کرده‌اند. نظر به دانش و مطالعه گسترده فروغی در ادبیات و سیاست، همچنین شباهت در تصدی منصب دولتی با قائم‌مقام، می‌توان منشآت را از متون مورد تقلید فروغی در نامه‌نگاری به شمار آورد.

آنچه سبک نامه‌نگاری ذکاءالملک را از قائم‌مقام متمایز می‌کند، تفاوت در شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه این دو نویسنده بزرگ است؛ نگاه واپس‌گرای بازگشت و نگاه نوگرای معاصر. ذکر این نکته ضرورت دارد که با وجود اینکه فروغی بر گنجینه غنی مفاهیم تاریخ و ادبیات فارسی تکیه داشته، نه تنها با نوگرایی مخالفت نکرده، بلکه در این راه پیشرو بوده و از امر مهم در شمار آوردن مردم و تلاش برای حل مشکلات آنها استقبال کرده است. همین نوگرایی و طرح مسائل روز با محوریت کل جامعه، سبب شده است که نثر فروغی در مقابل منشآت قائم‌مقام، ساده و همه‌فهم‌تر شود. سخن آخر آنکه، فروغی با این شیوه نامه‌نگاری، روش قائم‌مقام را با نگاهی تازه تلفیق و قالبی ایجاد کرد که می‌توان امروزه هم برای نامه‌نگاری دوستانه و هم برای پرداختن به مسائل اجتماعی-سیاسی از آن بهره برد.

قدردانی

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی پسادکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، مصوب بنیاد ملی نخبگان است و با حمایت مالی این بنیاد و به میزبانی دانشگاه خوارزمی انجام شده است. نگارندگان این مقاله، مراتب تشکر خود را از حمایت بنیاد ملی نخبگان تقدیم می‌دارند.

منابع

- آشوری، هنگامه؛ اسکندری، سپیده؛ اوحدی، مهرانگیز (۱۴۰۱). مقایسه بیانی گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی. *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. شماره ۷۵: ۱۰۱-۱۱۶.
- ایشانی، طاهره؛ عاملی رضایی، مریم؛ ذکایی، فرشته (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان منشآت خانوادگی قائم مقام فراهانی براساس نظریه کاربردشناسی اصول ادب. *ادبیات پارسی معاصر*. سال یازدهم. شماره ۱: ۳۱-۵۳.
- بیرنگ، محمدرضا؛ تجلیل، جلیل (۱۳۹۶). بررسی ابعاد استشهاد به‌عنوان یک آرایه تعلیمی در منشآت قائم مقام در مقایسه با گلستان. *زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)*. شماره ۲۳۶: ۴۱-۵۷.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲). دیوان حافظ. تصحیح و توضیح: پرویز ناتل خانلری. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.
- حسینی، طاهره؛ صحرائی، قاسم (۱۳۹۹). نگرشی بر مؤلفه‌های تربیتی و اخلاقی در بهارستان جامی و منشآت قائم مقام. *مطالعات شهریارپژوهی*. سال هفتم. شماره ۲۷: ۵۱۳-۵۳۰.
- حقدار، علی اصغر (۱۳۸۴). محمدعلی فروغی و ساختارهای نوین مدنی. تهران: کویر.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۹۱). *دیوان خاقانی شروانی*. به کوشش سید ضیاءالدین سجادی. چاپ دهم. تهران: زوار.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۱). *امثال و حکم*. جلد اول. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. جلد ۱۴. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۷). *زبان فارسی معیار*. تهران: هرمس.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۰). *غزلیات سعدی*. براساس چاپ محمدعلی فروغی و حبیب یغمایی. به کوشش کاظم برگ‌نیسی. تهران: فکر روز.
- علامی، ذوالفقار؛ کیانیان، فریبا (۱۳۸۹). مقایسه سبکی منشآت قائم مقام و گلستان سعدی. *فنون ادبی*. شماره ۲: ۸۹-۱۱۰.
- فروغی، محمدعلی (۱۴۰۰). *سیاست‌نامه ذکاءالملک*: مقاله‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی محمدعلی فروغی. به کوشش ایرج افشار و هرمز همایون‌پور. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.
- قائم مقام، ابوالقاسم بن عیسی (۱۳۸۶). *منشآت قائم مقام فراهانی*. به کوشش سید بدرالدین یغمایی. تهران: نگاه.
- مهدوی، بتول؛ خلیل‌اللهی، شهلا؛ شجاع تقی‌آباد، سمیه (۱۳۹۴). کاربرد زبان عامیانه، یکی از خصائص سبکی منشآت قائم مقام فراهانی. *فرهنگ و ادبیات عامه*. شماره ۵: ۱۸۵-۲۰۸.

References in Persian

- Âshouri, Hengâmeh; Eskandari, Sepideh; Owhadi, Mehrangiz (2022). A rhetorical comparative study of Golestan of Sa'adi and Monsha'at of Qa'im Maqâm Farâhâni, *Journal of the Stylistics of Persian Poem and Prose* (Bahâr-e- Adab), No. 75, 116-101. [In Persian]
- Allâmi, Zulfaqâr; Kiâniân, Faribâ (2010). The Comparison between Monshaat's Ghaem Magham and Saddi's Golestan, *Literary Arts*, No. 2, 89-110. [In Persian]
- Birang, Muhammad Reza; Tajlil, Jalil (2017). Studying Dimensions and Style of Affidavit as a Teaching Method in Qa'im Maqam's Monsha'at in Comparison with Sa'di's Golestan, *Persian Language and Literature* (Tabriz University), No. 236, 41-57. [In Persian]
- Dehkodâ, Ali Akbar (1982). *Proverbs (Amsâ'l va Hekam)*, the first volume, 5th ed, Tehrân: Amir Kabir. [In Persian]
- Dehkodâ, Ali Akbar (1998). *Encyclopedia (Loghatnâme)*, vol. 14, 2nd ed, Tehrân: Tehrân University. [In Persian]
- Foroughi, Muhammad Ali (2021). *Siyasat-Name-ye Zoka Al-Molk: Essays, Letters and Political Speeches of Muhammad Ali Foroughi*, by Iraj Afshâr, Hormoz Homâyounpour, Tehrân: Mahmoud Afshar Publications. [In Persian]
- Hâfiz (1983). *Collection of Poems*, by Parviz Nâtel Khânlari, 2nd ed, Tehrân: Khârazmi. [In Persian]
- Haqdâr, Ali Asghar (2005). *Muhammad Ali Foroughi and Modern Civil Structures*, Tehrân: Kavir. [In Persian]
- Hassani, Tâhereh, Sahrâyi, Qâsim (2021). A Study on Educational and Moral Component Elements in Bahârestan of Jâmi and Monsha'at of Qa'im Maqam, *Shahriâr Pajoohi Studies*, Year 7, No 27, 513-530. [In Persian]
- Ishâni, Tâhereh; Zokaee, Fereshteh; Âmeli Rezaei, Maryam (2021). Analysis of Ghaem Magham Farahani's family letters based on the theory of application of the principles of politeness, *Contemporary Persian literature*, Year 11, No 1, 31-53. [In Persian]

- Khâqânî, Badîl ibn' Ali (2012). *Khâqânî Sharvanî's Collection of Poems*, by Seyyed Zia-Al-din Sajjâdi, Tehrân: Zavvâr. [In Persian]
- Mahdavi, Batoul; Khalilullâhi, Shahlâ; Shoja' Taghiâbâd, Somayyeh (2014). Using Slangs, One of Qa'im Maqâm Farahani's Stylistic Features in His Monsha'at , *Folklore culture and Literature*, No. 5, 185-208. [In Persian]
- Qa'im Maqâm, Abu Al-Qasim ibn' Isâ (2007). Monsha'at of Qa'im Maqâm Farâhâni, Edited by Seyyed Badr Al-Din Yaghmâyi, Tehrân: Negâh. [In Persian]
- Sa'dî, Mosleh ibn' Abdullah (2001). *Sa'dî's Sonnets* (Ghazaliât of Sa'di), by Kâzem Bargnisi, Tehrân: Fekr-e Rooz. [In Persian]
- Sârli, Nâsser Qoli (2007). *Standard Persian Language*, Tehrân: Hermes. [In Persian]